

تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

پاسخ خودارزیابی های علوم و فنون ادبی ۱ دهم علوم انسانی نویسنده و تدوین کننده : **عطاءالله روشی**



پاسخ خودارزیابی های علوم و فنون ادبی ۱ نویسنده و تدوین کننده: عطاءالله روشی

دبير ادبیات فارسی دبیرستان های شهرستان دهگلان - تیر ۱۳۹۹



خود ارزیابی درس اول «مبانی تحلیل متن»

۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید؟

(هر چیزی که ذهن ما را به پویایی در آورد متن است . در این کتاب مقصود ما از متن ، آثار شعر و نثر فارسی است. برای نمونه کتاب ها معمولاً متن دیداری هستند و اگر خوانده شوند به آن ها متن های شنیداری یا خوانداری می گویند. صداهایی که می شنویم (شنیداری)، بویی که حس می کنیم (بویایی)، مزه ای که می چشیم (چشایی) و... نیز متن محسوب می شوند.

۲- یکی از آسانترین و کاربردی ترین شیوه ها در بررسی و تحلیل متن چیست ؟

متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر یعنی در سه قلمرو بررسی شود : زبانی، ادبی، فکری .

۳- با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

*... آب را گل نکنیم / در فرودست انگار ، کفتری می خورد آب / یا که در بیشه دور، سیره ای پر می شوید / یا در آبادی کوزه ای پر می گردد / آب را گل نکنیم ، شاید این آب روان می رود پای سپیداری تا فرو شوید اندوه دلی، دست درویشی شاید ، نان خشکیده فرو برده در آب ...
«سهراب سپهری»

این متن عرفانی است و سپهری با کمک گرفتن از طبیعت و با دیدگاه عرفانی، تلاش می کند مهربانی و دوستی را میان همه ی پدیده های هستی مطرح کند. شاعر در این شعر از شهر گمشده و سرزمین آرمانی اش سخن می گوید و خوش بین است و خوشبینی را القا می کند . آب تمثیلی است برای تمام زندگی، و گل نماد نادرستی و کژی است روح بزرگ سپهری در این سروده مشهود است.

۴- در خوانش شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

* نهنگی بچه خود را چه خوش گفت به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل بپرهیز همه دریاست ما را آشیانه
«اقبال لاهوری»

خوانش درست شعر (چشم خوانی) با هدف کشف لحن شعر، یکباره خواندن شعر بدون گستاخ، پس از خواندن شعر متوجه می شویم لحن خواندن این شعر، روایی داستانی است زیرا یک داستان کوتاه، با مفهوم تلاش و کوشش و دوری از سستی است که شاعر آن را به خواننده انتقال می دهد. در ابتدا متن به آهنگ نرم و ملایم خوانده می شود و در ادامه به تناسب فضای داستان و شخصیت ها، از لحن های دیگر بهره می جوید.

۵- سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی «کنایه، تشییع، تشخیص، مثل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

*=هر که زین گلشن لبی خندان ترا از گل بایدش
خُرده ای از مال دنیا در بساط هر که هست
هر که می خواهد که از سنجیده گفتاران شود
صبر بر جور فلک کن تا بر آیی رو سفید
قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن
بیت اول: **چون توکل تشبیه /لب خندان گل تشخیص /گل و گلشن مراعات نظیر**
بیت دوم: **تشبیه جبهه (پیشانی) به گل جبهه وا کردن : کنایه از گشاده رویی**
بیت سوم: **بند گران به زبان داشتن کنایه از سکوت کردن**
بیت چهارم: **رسفید شدن کنایه /فلک تشخیص / مصرع دوم : ضرب المثل**
بیت پنجم: **قطره آب، ابر، دریا : مراعات نظیر /قطره آبی که دارد در نظر : تشخیص**
۶- با توجه به متن زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید

شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او
بیرون افتادی به یک بار. بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که: «تعییر این خواب
چیست؟»

مُعبَّر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد، همه اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که
کس از تو باز نماند.»

خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزنید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من
بگفت؟! چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه، من که باشم؟!»
خوابگزاری دیگر بیاورند. همین خواب با وی بگفت.

خوابگزار گفت: «بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی تر
از همه اقربای خویش بود.»

خلیفه گفت: «تعییر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت،
بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.»

الف دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

۱- کاربرد «ی» استمراری در آخر فعل به جای «می» استمراری در اول فعل « پنداشتی (می پنداشت) ۲- کاربرد دستور تاریخی نمونه کاربرد «اندر» به جای «در» ۳- استفاده از واژه های عربی «اقربا» به جای نزدیکان ۴- سادگی و روانی جملات ۵- کاربرد جمله های کوتاه : خوابگزاری دیگر بیاوردن

ب- چه عاملی سبب شد خلیفه ، رفتاری متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد ؟

تفاوت در شیوه های بیان ، توجه به موقعیت و مقتضای سخن ، انتخاب و گزینش کلمات و اصل بلاغت موجب شد خلیفه از دو گفته ، برداشت هایی متفاوت داشته باشد.

۷- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری، بررسی کنید.

*روزی شخصی پیش بهلول، بی ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟

او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند .

گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است !

قلمرو ادبی: آب و گل مراعات نظیر / بی ادب، ادب : تضاد/ آب و گل مجاز از وجود انسان / بهلول : تلمیح/ آب و گل تو را نیک سرشته اند... ضرب المثل

قلمرو فکری: نویسنده در قالب طنز می گوید سرشت همه انسان هایی کو آفریده شده است و فقط تربیت موجب برتری و تفاوت انسان ها می شود. به اهمیت تربیت درست اشاره کرده است و با نگرش تعليمی و اندرزی تلاش می کند بی ادبی را نکوهش کند.

خود ارزیابی درس دوم «سازه و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی»

۱- نمونه های زیر را بخوانید به آن ها را از دید آهنگ و موسیقی با هم مقایسه کنید و تفاوت آن ها را بیان کنید

(الف)

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود
وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود
محمل بدار ای ساربان، تندی مکن با کاروان
کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود
سعدي

موسیقی و آهنگ این شعر ملایم و با کشش و امتداد آوایی همراه است البته وزن عروضی آن طرب انگیز است و با محتوای شعر همسوی ندارد.

(ب)

مرادر منزل جانان چه امن عیش چون هر دم
شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
جرس فریاد می دارد که بر بنید محملها
کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها
حافظ

با خواندن بیت ها متوجه می شویم که در میانه هر مصروف درنگی منظم وجود دارد و گام های آوازی این شعر
کوتاه و پی در پی هستند و همین نظم و آهنگ توازن پاره های کلامی را نمایان می سازد.

(پ)

بیا تا همه دستِ نیکی برم
نباشد همی نیک و بد پایدار
جهانِ جهان را به بد نسپریم
همان به که نیکی بود یادگار
فردونی

لحن حماسی و وزن و آهنگ کوبنده و با فشار آوازی همراه است.

(ت)

اوی شور تو در سرها، اوی سر تو در جانها
کوته نظری باشد، رفتن به گلستانها
چون عشق حرم باشد، سهل است بیابانها
می گوییم و بعد از من، گویند به دورانها
سعدي

در این شعر هر مصروف به دو پاره هی آوازی متوازن بخش شده . ابتدای پاره ها را با کنشش و پایان آن ها را با کوشش
همراه کرده است همین ویژگی بار موسیقایی شعر را بیشتر کرده است.



۲- نمونه های زیر را بخوانید و درباره‌ی تفاوت عواطف و حس و حال حاکم بر فضای شعر، گفت و گو کنید.

(الف)

ای نفسِ خرم باد صبا
از بر یار آمده‌ای، مرحبا
قالله شب، چه شنیدی ز صبح
مرغ سلیمان، چه خبر از سبا؟
بر سرِ خشم است هنوز آن حریف
یا سخنی می‌رود اندر رضا؟
غزلیات، سعدی

وزن این شعر سعدی شاد و طرب انجیز است، خشنودی، شور و هیجان در انسان ایجاد می‌کند گویی شادی و خوشی را می‌خواهد برای شنونده بازگو کند.

(ب)

خون گشت، قلب لعل و دلِ سنگ خاره‌هم
تنها همین نه مریم و هاجر، که ساره‌هم
تنها نه راه مهلت او، راه چاره‌هم
از کودکان آل نبی، شیرخواره‌هم
تاراج برده‌اند ز کین، گاههواره‌هم
تنها نه نقش ماه، که نقش ستاره‌هم

بر روی او پیاده گذشت و سواره‌هم

زین نظم، شد گشوده به رویم در آلم
بر قلب من نشست، ز مژه‌هم، هزار هم

زین درد، خون گریست سپهر و ستاره‌هم
بر سر زدن از آلم زاده بتول
بستند راه مهلت او از چهار سو
کردند قتل عام به نوعی که شد قتيل
بر قتل شیرخواره نکردند اکتفا
بر خور نشست از اثر نعل میخ کوب

آن پیکر شریف چو بر روی خاک ماند

شعر

فدایی مازندرانی

فدایی مازندرانی بار معنایی واژه هایش بسیار سنگین است و غم و اندوه را به انسان انتقال می‌دهد وزن انتخاب شده با درون مایه و محتوای شعر مناسب است.



(ب)

کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا
باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا
غمخواره یاران شد، تا باد چنین بادا
عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا
عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا
مولوی

مشعوقه بسامان شد، تا باد چنین بادا
ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد
یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش
عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد

مولوی در این شعر وزن و آهنگ تند و شادی آوری استفاده کرده و حالت شور و شوق عاشقانه به خواننده منتقل کرده است. هجا ها کوتاه و ضربی است. وزن و عاطفه در این شعر باهم همسو هستند و تناسب دارند و این تناسب موجب افزایش انگذاری این سروده شده است.

(ت)

چند نالی تو چو دیوانه ز دیو ناپدید
دیگران را خیره خیره دل چرا باید خلید
کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید
خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید
ناصرخسرو

دیو پیش توست پیدا، زو حذر بایدت کرد
چون نخواهی کت ز دیگر کس جگر خسته شود
بر گزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک
نیک خو گفته است یزدان، مررسول خویش را

حالت رسمی، خشک و مستقیم دارد و پند گویی و اندرز دادن برفضای شعر چیره

خود ارزیابی درس سوم «واج آرایی و واژه آرایی»

۱- در بیت های زیر، نمونه های واج آرایی را بیابید

* سرو را بین بر سمعاً بلبلان صبح خیز همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست زن «**خاقانی**»

* واج آرایی صامت «س»، «ن» مصوت «آ»

ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست «**هوشنگ ابتهاج**»

* گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ارنه

* واج آرایی صامت «ن»، «ب»، مصوت «آ»

* سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می رود، ارادت اوست **«حافظ»**

* **«واج آرایی صامت «س»، «ر»، «ت»/اصوات آ»**

* ای تکیه گاه و پناه زیباترین لحظه های / پر عصمت و پر شکوه تنها بی و خلوت من!

* **«مهدی اخوان ثالث» ای شطّ شیرین پر شوکت من!**

* **واج آرایی «ت»، «ن»، «ش»**

۲- در اشعار زیر، آرایه‌ی تکرار (واژه آرایی) را بیابید

* عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست **من که یک امروز، مهمان توام، فردا چرا؟ «شهریار»**

* امروز، فردا، تو

* در دل، چگونه یاد تو میرد **یاد تو یاد عشق نخستین است «فروغ فرخزاد»**

* دل، یاد، تو

* زمانه قرعهٔ نو می زند به نام شما **خوشاشما که جهان می رود به کام شما «هوشنگ ابتهاج»**

* شما

* گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم / ور خوار چون خارم کنی، ای گل ابدان خواری خوشم **«ابوالقاسم حالت»**

* گرفتار، خوار

* گل از خارم بر آوردم و خار از پای و پای از گل **«سعدی»**

* گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل

* خار، پای

* بی عمر زنده ام من واين بس عجب مدار **روز فراق را که نهد در شمار عمر «حافظ»**

* عمر

* پای استدلالیان چوبین بود **پای چوبین سخت بی تمکین بود «مولوی»**

* پای، چوبین

* از ننگ چه پرسی که مرا نام ز ننگ است **وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است «حافظ»**

* ننگ، چه پرسی، مرا، نام

* گراطهار پشیمانی کند گردون مشوایمن **که بد عهد از پشیمانی، پشیمان زود می گردد «صائب»**

پشیمانی

* یک عمر پریشانی دل، بسته به موبی است

سر، موبی

* هر کجا دردی است درمانیش هست

درد، درمان، است

۳- غزلی از حافظ بیابید که نمونه‌ی مناسبی برای کاربرد واژه آرایی و واژه آرایی باشد .

بر عهده دانش آموز

کارگاه تحلیل فصل اول

۱- شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید .

۱ شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

خانه‌ای می‌ساخت سقراط حکیم
آمدند از ره، رفیق و آشنا
نیست درخوردِ تو، ای صاحب نظر!
این قفس نبود مقام چون تو کس
بارگاهی باید و کاخی عظیم
همچو پروانه به گرد روی شمع؟
عارفان را خانه الا خاک نیست
خانه‌ای درخورد یاران ساختم
بام خود تا عرش می‌افراشتیم
چون صدف، کمیاب و چون دُر، پُربهاست

نیره سعیدی، (میرفخرایی)

در کتاب آمد که در عهد قدیم
چون به پایان بُرد کار آن سرا
جمله گفتند: این بنای مختصر
چون توانی زیستن در این قفس؟
بهر مردی چون تو والا و حکیم
در شبستانِ تو چون آییم جمع
گفت در پاسخ: که مارا باک نیست
حُجره خود گر بدین سان ساختم
بیش از این گر یار یکدل داشتم
در حقیقت یار یکدل، کیمیاست

موضوع

شرح و توضیح

روایی و داستانی در ابتدا متن با آهنگ نرم و کشش آوایی خوانده می شود و در ادامه به تناسب تغییر فضای داستان و شخصیت ها از لحن های دیگر بهره می جوید. لحن روایی - داستانی باید به گونه ای باشد که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه ی آن بر انگیزد و شوقی همراه با حالت انتظار در ذهن پدید آورد.

نوع لحن

به کار گیری «حکیم» به جای «دانشمند»، «سرا» به جای خانه / کاربرد در خورد» به جای «در خور» جمله ها ساده و کوتاه به کار گیری واژگان فارسی، / ساختمان بیشتر واژه ها ساده است. زبان شعر ساده و روان است.

قلمرو زبانی

قالب شعری: متنی / به کار گیری آرایه های لفظی: جناس: جمع ، شمع ، باک، خاک / استعاره: قفس / تشبیه: همچو بروانه،
بار یک دل چون صدف/ مراعات نظری: کیمیا، صدف و در، پربها

قلمرو ادبی

به این نکته می رسیم که عارفان تعلق خاطر به دنیا و ظواهر دنیابی ندارند و در دنیای مادی کنونی انسانهای با معرفت و راستین بسیار کم و نایاب هستند

قلمرو فکری

نبودن دوست همدل، بار یکدل و روش ضمیر بسیار گرانبهاست و مردان حق تنها هستند.

نوع ادبیات: تعلیمی ، اندیزی

نتیجه گیری و تعیین نوع

در مسیر موفقیت

۲ حکایت زیر را بخوانید و برای هر قلمرو، چند ویژگی استخراج کنید.
پارسازاده‌ای را نعمت بیکران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد.
باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛
یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.
چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن که می‌گویند ملاحان سرومدی،
اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد، خشک رودی
عقل و ادب، پیش‌گیر و لهو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی
بری و پشیمانی خوری.
پسر، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت:
برو شادی کن ای یار دل افروز غم فردا، نشاید خورد امروز
دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند؛ روی از
اصحابت بگردانید و قول حکما کار بستم که گفته‌اند:

هر چه دانی زنیک خواهی و پند
به دو پای او فتاده، اندر بند
نشنیدم حدیث دانشمند
گر چه دانی که نشنوند، بگوی
زود باشد که خیره سر، بینی
دست بر دست می‌زند که دریغ

گلستان، باب هفتم





۳- نمونه های زیر را از دید حس و حال فضای شعری و عاطفی بررسی کنید .

* ای آن که غمگنی و سزاواری و ندر نهان سرشک غم همی باری رفت آنکه رفت و آمد آن که آمد بود آن که بود خیره چه غم داری؟ **«رودکی»**
فضای حاکم بر شعر سنگین و غم انگیز است و بین وزن و آهنگ با محتوا تناسب دارد .
* بیا تا گل برافشانیم و می در ساغراندازیم فلک راسقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم **«حافظ»**
ادبیات غنایی، عاطفی افضای حاکم بر شعر شاد و شورانگیز است محتوا با وزن و آهنگ تناسب دارد .

* این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست تا جان و جامه بذل کنم بر پیام دوست دل زنده می شود به امید و فای **یار سعدی** جان رقص می کند به سمع کلام دوست غنایی، اگر با لحن عاطفی خوانده شود بیشتر می توان با فضای شعر ارتباط برقرار کرد وزن شعر نرم، آرام و لطیف است .

* جامی است که عقل آفرین می زندش صد بوسه زمهر بر جبین می زندش این کوزه گر دهر چنین جام لطیف **«خیام»** می سازد و باز بر زمین می زندش

تعلیمی، وزن به کار رفته در این شعر سنگین است حس و حال متفکرانه و آمیخته به حسرت و اندوه دارد.

* خروشید کای فرخ اسفندیار هماوردت آمد برآرای کار «فردوسی»

نوع شعر حماسی است وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه است بار عاطفی حاکم بر این سروده پهلوانی - دلاوری و جسورانه است. نوع آن تعلیمی است. فضای عاطفی حاکم بر شعر ملایم و اندرزی

* وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی «حافظ» نصیحت گرایانه است.

۴- در بیت های زیر، نمونه های واج آرایی و واژه آرایی را بیابید.

* گوشه گرفتم ز خلق و فایده ای نیست گوشه چشمت بلای گوشه نشین است «سعده»
واج آرایی صامت «گ» و «ش» - واژه آرایی «گوشه»

* ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم امید ز هر کس که بریدیم، بریدیم
واج آرایی مصوت «ای»، صامت «م»

* دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم
واج آرایی صامت «ش - ک - د»، واژه آرایی کشیدیم، بریدیم، پریدیم

* در زلف تو بند بود داد دل ما در بند کمند بود داد دل ما

ای داد به داد دل ما کس نرسید از بس که بلند بود داد دل ما
واژه آرایی «بند، دل، داد، ما»، واج آرایی صامت «د»، مصوت «-[د]

* نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس ملالت علماء هم ز علم بی عمل است
واج آرایی «ل - م - ع»، واژه آرایی «بی عمل»

* اگر جنگ خواهی و خون ریختن بر این گونه سختی بر آویختن
بگو تا سوار آورم زابلی

که باشند با خنجر کابلی
واج آرایی صامت «نخ» مصوت «آ»

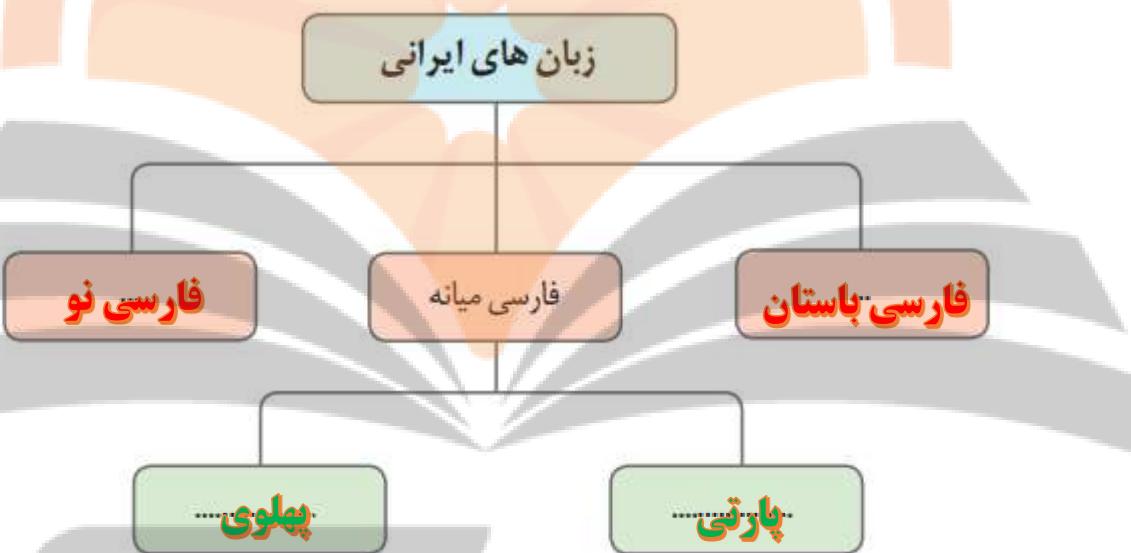
شیر موافق

خودارزیابی درس چهارم «تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اویله هجری»

۱- چرا به زبان فارسی نو، "فارسی دری" هم گفته می شود؟

زیرا زبان فارسی نو، زبان درباری ساسانیان، زبان اداری، زبان محاوره و مکاتبات دولتی بوده است.

۲- نمودار زیر را با توجه به آموزه های درس کامل کنید.



۳- عوامل رشد و گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره زمانی (قرن های چهارم و پنجم هجری) را بنویسید.

الف) روی کار آمدن دولت سامانی در آغاز این دوره موجب رواج سنت های فرهنگی کهن ایرانی و رشد و شکوفایی نظم و نثر فارسی شد.

ب) بعضی از امیران سامانی، به شاعران و نویسندگان ایرانی توجه کردند و سبب گسترش فرهنگ و زبان ایرانی شدند. علاوه بر آنکه بعضی از آن امرا خود صاحب فضل بودند، مترجمان رانیز تشویق به ترجمه کتاب های گوناگون به نثر فارسی کردند و آثار ارزنده ای به زبان فارسی و عربی در این دوره نوشته شد.

ج) غزنویان برای ماندگاری حکومت خود، ناچار به گسترش زبان فارسی شدند تا پایان سلطنت مسعود، به شاعران و نویسندگان توجه می کردند.

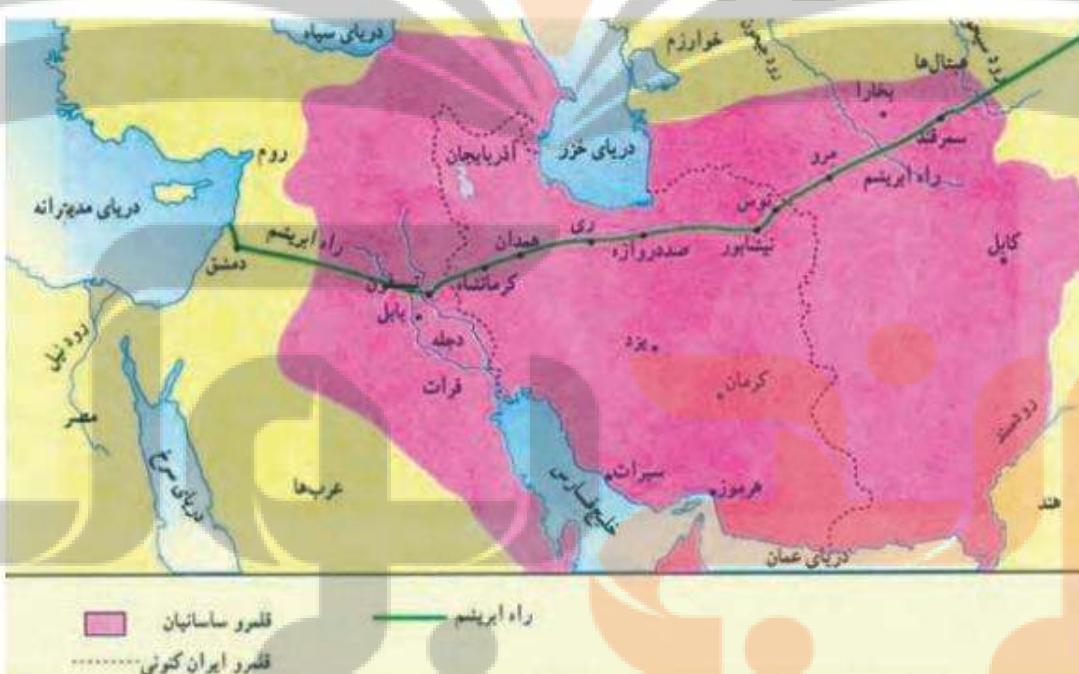
۴- مهم ترین کتاب های نثر این دوره کدامند و چه تاثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادب فارسی داشتند؟

نشر این دوره همانند شعر پارسی، رواج یافت، کتاب های گوناگون در این دوره به پارسی دری نوشته شد. نشر این دوره ساده و روان بود و بیشتر به موضوع های حماسی، ملی و تاریخی توجه داشت. شاهنامه ای ابو منصوری، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی از مهمترین کتابهای نثر این دوره هستند.

۵- درباره مضماین شعری این دوره توضیح دهد.

بیشتر به واقعیت بیرونی توجه داشتند و مفاهیم ذهنی آنها از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی رفت. داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایت و مثل ها نیز در شعر این دوره آغاز شد رایج ترین انواع شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم حماسی، مধی و غنایی بود حماسی با فردوسی به اوج رسید. شعر مধی به پیروی از شعر عربی معمول گشت و شاعران با مدح پادشاهان جایگاه خود را پیدا کردند. شعر غنایی با رودکی و شهید بلخی استحکام یافت شعر تعلیمی هم در این دوره به وجود آمد ولی در دوره ای سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن قطعه و موعظه از آغاز قرن چهارم معمول شد : کسایی مروزی و سپس ناصرخسرو قصیده ای کامل سروند قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره، روی نقشه نشان دهید هدف نقشه: دانش آموزان با توجه به میزان درک و دریافت خویش از آموزه های درس، این فعالیت را باید انجام دهند) . فایده ای این تمرينها تبدیل کردن سواد خوانداری و حافظه به سواد بصری است . این کار ، بر ژرفایی و تعمیق آموخته ها کمک می کند)

۶- قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره روی نقشه نشان دهید.



۱-در شمال ایران تا خوارزم

۲-در شمال شرقی، بخارا، سمرقند و مرو تا مرز ترکستان

۳-در مشرق ایران ، افغانستان تا مرز پاکستان

۴-در جنوب شرقی تا سر حد هندوستان

۵-در شمال غربی ایران ، ارمنستان و گرجستان تا مرز کوه های قفقاز و روم شرقی .

- =====
- ۶-در مغرب ایران بین النهرين ، بغداد، تا بخشی از سوریه .
- ۷-در جنوب غربی ایران و جنوب بحرین تا مرز عربستان بوده است.
- ۸-توس در شمال شرق خاستگاه فردوسی و سمرقند خاستگاه رودکی شرق ایران محدوده اکثر شاعران شعر فارسی و بخارا مرکز فرهنگی اکراین در دوره سامانیان در قرن ۴ و نیمه دوم قرن ۵ بوده است.



تشی در مسیر موفقیت

«خودارزیابی درس پنجم» هماهنگی پاره های کلام

۱- صامت ها و مصوتهای مضرع اول بیت نخست را مشخص کنید.

نیاپید که خوبان به صحراء روند همه کس شناسند و هر جا روند

«سعدی»

نه انصاف باشد که بی ما روند

حلالست رفتن به صحرا، ولیک

ن - اشا | يد | ک | خو | بان | ب | صح | را | ر | وند

صامت + مصوت | ص + م | ص + م + ص | ص + م + ص + ص | ص + م + ص + ص + م | ص + م + ص + م + ص

۲- هر بیت را به هجاهای تشکیل دهنده آن تجزیه کنید؛ سپس هر هجا را با علامت خاص آن بنویسید.

عجب نیست از گل که خندد به سروی که در این چمن یا در گل نشیند «طبیب اصفهانی»

پایه های آوایی	ع جب نی	ست از گل	ک خن دد	ب سروی
ک در این	چ من پا	ی در گل	ن شی ند	ع جب نی
فuwان	فuwان	فuwان	فuwان	فuwان
نـشانه های هجایی	--U	--U	--U	--U

اگر هوشمندی به معنی گرایی که معنی بماند نه صورت به جای «سعدي»

پایه های آوابی	ا گر هو	ش من دی	بِ مع نی	گ رای
وزن (اسم رکن)	کِ مع نی	بِ ما ند	نَ صو رت	بِ جای
نشانه های هجایی	فَعْل	فَعْلُون	فَعْلُون	فعُل
– U	– – U	– – U	– – U	– U

۳- در بیت زیر چند هجای کوتاه وجود دارد؟

تارنج تحمل نکنی، گنج نبینی تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد «سعدي»

در مصروع اول ۴ هجای کوتاه - مصروع دوم ۴ هجای کوتاه .

۴- برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوت) هریک از واژهای زیر، نمونه هایی بنویسید.

صامت: وقت - نانوا

«و»

مصوت: نور - آهو

صامت: یاد - باید

«ی»

صوت: سیب - فارسی

صامت: راه - کوه

«هـ»

صوت: نامه - کوزه

۵- علامت هجاهای کدام بیت، چهار بار تکرار شده است؟

«الا يا ايهها الساقى ادر كاسا و ناولها كه عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشكل ها» «حافظ»

وَنَوْلُهَا	اَدْرِكَأْسَنْ	يَهْسَسَقِي	اَلَا يَا اِي	پایه های آوایی
دِمْشَكَلُهَا	وَلَيْافَتَأْ	نِمَوْدَوْلَ	كِعَشْفَاقَاسَانْ	
فَاعْلَانَ	فَاعْلَانَ	فَاعْلَانَ	فَاعْلَانَ	وزن (اسم رکن)
-- U --	-- U --	-- U --	-- U --	نشانه های هجایی

خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی ای زچشم نوشت، چشم دل چراغانی «شهریار»

غِ رو حانی	ای جِ را	جِ را غان کن	خل و تم	پایه های آوایی
جِ را غانی	چش مِ دل	مَی نوشت	ای زِ چش	
مفاعیلن	فاعلن	مفاعیلن	فاعلن	وزن (اسم رکن)
--- U	- U -	-- U	- U -	نشانه های هجایی

من از اینجا به ملامت نروم که من اینجا به امیدی گروم «سعدي»

نَ رَ وَم	بِ مَ لَامَت	مَ نَ زَينَ جَاه	پایه های آوایی	
گِ رَ وَم	بِ اَ مَی دَی	کِ مَ نَینَ جَاه		
فعلن	فعلان	فعلان		وزن (اسم رکن)
- U U	-- U U	-- U U		نشانه های هجایی

خودارزیابی درس ششم «سجع و انواع آن»

۱- در اشعار و جمله های زیر، سجع را بیابید.

*بزرگان گفته اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است. سعدی

کوشیدن و جوشیدن : متوازی

*الهی به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم و به یافت تو ناتوانیم. خواجه عبدالله

زندگانیم و آبادانیم : مطرف | شادانیم و ناتوانیم : مطرف

* سر عشق، نهفتني است نه گفتني و بساط مهر، پیمودني است نه نمودني مقامات حمیدی

نهفتني و گفتني: مطرف | پیمودني و نمودني: مطرف

*من مانده ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او

سعدي

گویی که نیشی دور از او در استخوانم می رود

مهجور و رنجور و دور: مطرف

۲- عبارت زیر را می توان مسجع نامید؟ دلیل خود را بنویسید.

* پادشاهی او راست زیبند، خدایی او راست در خورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس. جهانگشای جوینی بله، زیرا واژگان زیبند و در خورنده در پایان جمله به قرینه آمده اند و چون در حروف پایانی مشترک هستند اما وزنشان یکی نیست سجع مطرف دارند

۳- در عبارت زیر، واژه های سجع کدام اند؟ وجه اشتراک آنها را بنویسید.

گلستان سعدی

* تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج راحت.

سیاحت و راحت - وجه اشتراکشان واژه های پایانی آنهاست.

۴- واژه هایدر عبارت زیر، سجع متوازی دارند.

گلستان سعدی

* جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.

بدهد و بنهد

۵- در هر عبارت، سجع را بیابید و نوع آن را مشخص نمایید.

تذكرة الاولیا، عطار

* محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.

غاایت و نهایت: مطرف

* پشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال.

خار و خال : متوازن

* فلاں را کرم بی شمار است و هنر بی حساب، دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

بی شمار و بی حساب: متوازن امتین و کریم : متوازن

* ظاهر درویشی، جامه ژنده است و موی سترده و حقیقت آن، دل زنده و نفس مرده.

ژنده و سترده: مطرف ازند و مرده: متوازن

* ارادت بی چون، یکی را از تخت شاهی فروارد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

فروآرد و دارد: مطرف

۶- در متن زیر، سجع ها را بیابید، نوع هر یک را مشخص نمایید و درباره ارزش موسیقایی هر یک اظهار نظر کنید.

«صیاد بی روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد. دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم. به نانهاده، دست نرسد و نهاده، هر کجا هست، برسد. هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد، به تعذیب عقبی گرفتار آید.»
گلستان سعدی

نگیرد بمیرد، مقسوم - معلوم، نرسد - برسد: (سجع متوازی هستند / نگیرد و آید: (سجع مطرند) / ارزش سجع متوازی از همه‌ی سجع‌ها بیشتر است و سجع مطرف ارزش موسیقایی کمتری دارد.

کارگاه تحلیل فصل دوم

۱ نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید.

که پیشاہنگ، بیرون شد ز منزل
شتربانان همی‌بندند محمل
مه و خورشید را بینم مقابل
فروشد آفتاب از کوه بایل
منوچهری

آلا یا خیمگی، خیمه فروهل
تبیره زن بزد، طبل نخستین
تماز شام نزدیک است و امشب
ولیکن ماه دارد قصد بالا

۱- کنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد مانند خیمگی، فروهل و تبیره زن

۲- کمی واژگان عربی

۳- سادگی زبان شعر

۴- به کار گیری فعل‌های پیشوندی مانند: فروهل و فروشد

۵- فراوانی ساخت‌های ترکیبی به نسبت شعر رودکی مانند پیشاہنگ و شتربانان

۶- استفاده از شبکه معنایی ماه و خورشید و آفتاب



۲ نمونه های زیر را از نظر ویژگی های قلمرو ادبی بررسی کنید.

(الف)

«نوشته‌اند: درزی‌ای و جولاوه‌ای با هم دوستی داشته‌اند و چون به هم بنشستند، می‌گفتندی که این کار این شیخ، هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرد دعوی کرامت می‌کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشنهاد ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنج می‌کند، بر اصل است. هر دو مُتنکروار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد، گفت:

به فلک بر، دو مرد پیشه‌ورند زان یکی درزی و دگر جولاوه

پس اشارت به درزی کرد و گفت: این ندوزد، مگر قبای ملوک آنگه اشاره به جولاوه کرد و گفت: وان نبافد، مگر گلیم سیاه ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار، توبه کردند.»

اسرار التوحید، محمد بن منور

۱- به کار گیری شعر در میان نثر

۲- کاربرد کنایه مانند: در پای کسی افتادن : کنایه از عذر خواهی کردن و اظهار پشیمانی کردن

۳- به کار گیری سجع در سخن: ندوزد و نبافد

۴- مراعات نظیر: درزی و جولاوه قسمت



(ب)

«ملک گفت: آورده‌اند که بازرگانی غلامی داشت دانا و زیرک سار و بیدار بخت.
بسیار حقوق بندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشکور و خدمات مقبول
و مبرور بر جراید روزگار ثبت کرده.

روزی خواجه گفت غلام را: «ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و
باز آیی، تو را از مال خویش آزاد کنم و سرمایه وافر دهم که کفاف آن را پیرایه عفاف
خود سازی و همه عمر پشت به دیوار فراغت باز دهی.» غلام این پذرفتگاری از
خواجه بشنید، به روی تقبیل و تکفل پیش آمد و بر کار اقبال نمود. بار در کشتی
نهاد و خود درنشست. روزی دو سه، بر روی دریا می‌راند. ناگاه بادهای مخالف از
هر جانب برآمد، سفینه را در گردانید و بار آبگینه آملش خُرد بشکست. کشتی و هرج
درو بود، جمله به غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ پشت بحری رسید؛ دست درو
اویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره‌ای افتاد که در نخلستان بسیار بود؛
یک چندی در آن جایگه از آنج مقدور بود، قوتی می‌خورد...»

مرزبان نامه، سعدالدین و راوینی

۱- رواج نثر داستانی

۲- استفاده از آرایه های ادبی : بار سفر بستن کنایه از آماده‌ی سفر شدن ، دیوار فراغت: تشبیه، مراعات
نظیر: بحر، سفینه ، کشتی

۳ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو فکری بررسی کنید.

ای خواجه، رسیده‌است بلندیت به جایی
کزا هل سماوات به گوش تورسد صوت!
گر عمر تو چون قد تو باشد به درازی
تو زنده بمانی و بمیرد ملک الموت

انوری

۱- شعر با طنز و انتقاد اجتماعی همراه است

۲- نکوهش بی توجهی به مردم و نشنیدن صدای آنان

شیوه‌های معرفتی

۴ با ذکر دلیل بنویسید چرا دو مصرع بیت زیر هم وزن است؟

بشنواز نی چون حکایت می کند
از جدایی ها شکایت می کند

مولوی

زیرا ترتیب و تعداد هجاهای در هر دو مصرع یکی است یعنی هجاهای کوتاه و بلند آن ها در مقابل هم قرار می گیرند.

می کند	چون حکایت	بشنوزنی	پایه های آوایی
می کند	هاش کایت	از ج دایی	وزن (اسم رکن)
فاعلن	فاعلان	فاعلان	نشانه های هجایی
— ع —	— ع —	— ع —	

۵- در جملات زیر، انواع سجع را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

الهی اگر بهشت، چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو، درد و داغ است.
خواجه عبدالله انصاری

چراغ و داغ: مطرف

خواجه عبدالله انصاری

طالب علم، عزیز است و طالب مال، ذلیل.

عزیز و ذلیل: متوازن

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش، همه جا کشیده.
سعدی

رسیده و کشیده: متوازن

این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصن
سعدی

مرقع و مرصن: متوازن

در ایام طفولیت متعبد و شب خیز بودم و مولع زهد و پرهیز.
سعدی

شب خیز و پرهیز : متوازن

۶- نوع سجع دو واژه زیر را بنویسید و به جای واژه دوم، واژه ای بگذارید که بالاترین ارزش موسیقایی را در میان سجع ها داشته باشد.

بام : نام

شاد: باد

باد و نام سجع متوازن دارند . شاد و یاد که سجع متوازن می سازد و بالاترین ارزش موسیقایی را دارد بام و نام سجع متوازن می سازد و بالاترین ارزش موسیقایی را دارد.

خودارزیابی درس هفتم «سبک خراسانی»

۱ با توجه به شعر زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود
نبود دندان، لا، بل چراغ تابان بود
ستاره سحری بود و قطره باران بود
سپید سیم زده بود و درّ و مرجان بود
یکی نماند کنون زان همه، بسود و بریخت
چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود
نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز
همیشه شاد و ندانستمی که غم چه بود
چه بود؟ مُنت بگوییم: قضای یزدان بود...
بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود
تو رودکی را، ای ماهرو، کنون بینی
بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی
دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود
شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود
سرودگویان، گویی هزاردستان بود
کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم
عصا بیار که وقت عصا و انبان بود
شدن آن زمانه که او شاعر خراسان بود
رودکی

الف) شعر رودکی را از نظر ویژگی‌های ادبی بررسی نمایید.

۱- قالب شعر قصیده است . ردیف بود / قافیه، دندان که با کلمات کیوان و تابان و... هم قافیه است در واقع قافیه و ردیف بسیار ساده است .

۲- شعر واقع گراست و توصیفات طبیعی ، ساده ، محسوس و عینی است .

۳- استفاده از آرایه های ادبی ، طبیعی و در حد اعتدال است.

۴- بیت دوم تلمیح دارد به تاثیر گذاری اجرام آسمانی بر سرنوشت انسان

۵- واژه آرایی (تکرار): نحس بیت ششم شبیه، بیت هفتم تکرار واژه های شد، زمانه، روی و موى جناس، واج آرایی مصوت بلند(ا) و ...

۶- شعر جنبه پند و اندرز دارد تعالیم ساده و عملی در آن دیده می شود. عبرت گرفتن از این جهان گذرا بیان اینکه هیچ چیز پایدار نیست و هر پدیده ای محکوم به فناست. فکرو کلام ساده است.

ب) ویژگی های زبانی این شعر چیست؟

۱- کمی واژگان عربی

۲- کاربرد بیشتر کلمات فارسی

۳- بیشتر واژگان ساختمان ساده دارند: نحس، کیوان

۴- به کارگیری واژگان کهنه و نامانوس مانند: بسود

۵- به کارگیری «ی» استمراری، به جای «می» (ندانستمی: نمی دانستم)

۶- افزودن «ب» بر سر فعل ماضی (بسود و بريخت)

۲ متن زیر مربوط به کدام دوره نثر است؟ دو مورد از ویژگی های نثر این دوره را بنویسید.
«چهاردهم صفر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برگشت.
بیستم صفر سنّة ٤٣٨ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری
آبادان؛ مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود
و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند؛ و در
تبریز، «قطران» نام، شاعری را دیدم؛ شعری نیک می گفت؛ اما زبان فارسی نیکو
نمی دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند
و هر معنی که او را مشکل بود، از من بپرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من
خواند.»

سفرنامه، ناصر خسرو

۱- حذف فعل به قرینه: و آن پنجم شهریور قدیم بود، شهری آبادان (بود)

۲- آوردن ب در فعل ماضی: برگشم

۳- کوتاهی جمله ها

۴- افزایش به کارگیری واژگان عربی نسبت به دوره های قبل سنه، هلاک

۵- توصیفات جزیی

۶- افزودن «ب» بر سر افعال (برفتم، بخواند، بیاورد، بپرسید و بنوشت)

۷- به کار بردن «را» در معنی «برای» مرا حکایت کردند: هر معنی که او را مشکل بود (برای)، بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود (به)

دو مورد از ویژگی های نظر زیر را بنویسید.

«به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست
چنان که رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت:
«ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟»
بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!»

خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟
بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادرزاده نشده‌اند.»

قابوس نامه، کیکاووس

۱- قابوس نامه از جمله نثرهای موفق دوره غزنوی سلجوقی است.

۲- کوتاه بودن جمله ها

۳- کمی واژگان عربی

۴- به کارگیری واژگان کهنه و مهجور

۵- جایه جایی اجزای جمله: رسولی آمد از روم.

۶- به کارگیری اندر به جای در

۷- به کار بردن کلماتی که امروزه رواج کمتری دارند: طیره، بار داد، خدایگان

۸- کاربرد «ب» اول فعل ماضی ساده بنشست.

خودارزیابی درس هشتم «وزن شعر فارسی»

سعدی

برد مرغ دون، دانه از پیش مور

*مروت نباشد بر افتاده زور

دِ ذور	بَ رُفْ تَا	نَ با شد	مُ رو وَت	پایه های آوایی
شِ مور	نَ از بَي	عِ دون دَا	بَ رَهْ مُر	وزن (اسم رکن)
فعل	فعلون	فعولن	فعلون	نشانه های هجایی
- U	-- U	-- U	-- U	

۳- واژه های زیر را با خط عروضی بنویسید و موز هر کدام از واژه ها را که بیش از یک هجا دارد، مشخص کنید.

- *رهایی=ر ها یی (U --) *لانه = لا ن (-U) *خویشن شناسی=خی ش تن ش ناسی (-U -U --)
 - *محبت=م حب بت (U --) *دلنوازان=دل ن وا زان (-U --) *نیکو=نی کو (--) *خواهش=خا هش (--)
 - *رهرو=ره رو (--) *بزرگراه=ب زرگ راه (U -U -U) *بنفسه=ب نف ش (U -U) *ملالت=م لا لت(U --)
 - *التماس=ال ت ماس (-U -U) *خود=خُد (-) *سفینه=س فی ن(U -U) *چون=چُن (-)
 - *پشتوانه = پشت وان (-U -U) *مجموعه=مج مو ع (--) (U) *روزنه=رو ز ن (U -)
 - *خواستن=خاص تن (U -) *مؤذن=مُؤذن دن (U --) *کاشته=کاش ت (-U) *راهوار=راه وار (U -)
- ۴- واژه های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر با همزه بخوانید و به خط عروضی اینویسید.

واژه	حذف همزه	نشانه هجایی	بدون حذف همزه	نشانه هجایی	نشانه هجایی
سرآمد	سرامد	---	سرآمد	---	
دل انگیز	دلنگیز	U ---	دل ان گیز	U-- U	
جنگ آور	جنگاور	-- U-	جنگ آور	---	
شب آهنگ	شباهنگ	U ---	شب آهنگ	U-- U	
شیرافکن	شیرفکن	-- U-	شیر اف کن	---	
دارآباد	دارآباد	U ---	دار آ باد	U ---	

پاسخ خودارزیابی های علوم و فنون ادبی ۱ دهم علوم انسانی نویسنده و تدوین کننده : **عطاءالله روشی**

۵- ابیات زیر را درست بخوانید و با خط عروضی بنویسید. سپس مرز هجاهای را مشخص کنید. و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

با من بگو تاکیستی، مهربانی بگو، ماهی بگو خوابی خیالی چیستی، اشکی بگو آهی بگو اوستا

ما هی ب گو	مه ری ب گو	تا کی س تی	با من بِ گو	پایه های آوایی
آ هی ب گو	اش کی ب گو	لی چی س تی	خا بی خِ یا	
مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	وزن (اسم رکن)
- U --	- U --	- U --	- U --	نشانه های هجایی

حافظ

دست به کاری زنم که غصه سر آید

بر سر آنم که گرز دست برآید

يد	دست ب را	نم کِ گورز	بر س ر آ	پایه های آوایی
يد	غض س س را	ریز نم ک	دست ب کا	
فع	مفتعل	فاعلات	مفتعلن	وزن (اسم رکن)
-	- U U -	U - U -	- U U -	نشانه های هجایی

۶- تقطیع هجایی ابیات زیر را انجام دهید.

کی بودهای نهفته که پیدا کنم تو را؟ فروغی بسطامی

*کی رفته ای ز دل که تمدا کنم تو را؟

نم ت را	ت من فای	ای ز دل ک	کی رف ت	پایه های آوایی
نم ت را	ک پی دا ک	ای نع هف ت	کی بود	
فاعلی	معامل	فاعلات	مفعول	وزن (اسم رکن)
- U -	U - U	U - U -	U --	نشانه های هجایی

* آینه ار نقش تو بنمود راست

نظمی

خودشکن، آینه شکستن خطاست

مو د راست	نق شِ تُ بن	آ ی ن ار	پایه های آوابی
تن خ طاست	نَى نِ شغ كَس	خُدش كَ نَا	
فاعلن	مفاعلن	مفاعلن	وزن (اسم رکن)
- U-	- UU-	- UU-	نشانه های هجایی

ناصر خسرو

چو بیکاری، یقین بی مزد مانی

* اگر کاری کنی مزدی ستانی

س تانی	گَ نی مز دی	ا گر کا ری	پایه های آوابی
دما نی	يَ قین بی مز	جَ بی کا ری	
فولن	مفاعيلن	مفاعيلن	وزن (اسم رکن)
-- U	-- U	-- U	نشانه های هجایی

۷- با توجه به علامت هجاهای، کدام واژه ها با حذف همزة، تلفظ شده اند؟

بادآورده: --- U حذف همزة

پلنگ افکن: U- -- بدون حذف

دانش آموز: --- U بدون حذف

گل اندام: --- U بدون حذف

پیام آور: U --- حذف همزة

خوش اندام: U- U حذف همزة

کار آزموده: - U- U حذف همزة



خودارزیابی درس نهم «موازنہ و ترصیع «

۱- کدام بیت ها ، آرایه موازنہ به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

***سعدی** **گر عزم جفا داری سر در رهت اندازم** **ور راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم**
موازنہ ندارد زیرا در این بیت کلمات دو به دو باهم سجع متوازن یا متوازی ندارند. اندازم و ریزم سجع مطرف هستند .

***فردوسی** **ز تیغ تو بهرام بریان شود**
موازنہ دارد زیرا همه واژه ها مقابله هم سجع متوازن دارند و واژه های بریان و گریان سجع متوازی دارند.

***حافظ** **جفا پل بود، بر عاشق شکستی** **وفا گل بود، بر دشمن فشاندی**
موازنہ دارد زیرا در بیت سجع متوازن و متوازی وجود دارد کلمات وفا، جفا - پل و گل متوازی اند.
***همه شوری و نشاطی، همه عشقی و امیدی** **همه سحری و فسونی، همه نازی و خرامی** **شفیعی کدکنی**
موازنہ است زیرا سجع متوازن در بیت وجود دارد.

***خواجه کرمانی** **تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد**
موازنہ است زیرا کلمات دو به دو سجع متوازن دارند به جز واژه های بلا و جفا که سجع متوازی است.

***عرابی** **در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز** **وز لعل شکریار، می و نقل فرو ریز**
موازنہ ندارد.

***فریدون مشیری** **پرواز به آنجا که نشاط است و امید است**
موازنہ دارد زیرا همه واژه های مقابله هم سجع متوازن یا متوازی دارد.

***بیدل دهلوی** **نظر تا کنی عرض نقل است و می** **نفس تا کشی، حرف چنگ است و نیا**
موازنہ دارد. زیرا واژه های مقابله هم به جز می و نی سجع متوازن دارند.
۲- در کدام از آیات، شاعر از آرایه ترصیع ، بهره برده است ؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید.

***فرخی بزدی** **عالم همه عابدند و معبد یکی است** **دنیا همه ساجدند و مسجد یکی است**
موازنہ دارد زیرا عالم و دنیا سجع متوازن دارند و بقیه کلمات سجع متوازی دارند.

=====

خاقانی

* چرا ننهم؟ نهم دل بر خیالت

موازنه دارد زیرا دل و جان سجع متوازن دارد و بقیه کلمات در بیت سجع متوازن دارند.

ابتهاج

* چرا مطرب نمی خواند سرودی؟ چرا ساقی نمی گوید درودی؟

آرایه ترصیع ندارد زیرا واژه های مطرب و ساقی سجع متوازن هستند پس موازنه است.

هاتف اصفهانی

* راه وصل تو، راه پر آسیب درد عشق تو، درد بی درمان

موازنه دارد زیرا واژه های بیت مقابل هم سجع متوازن دارند.

مولوی

* ما ز بالاییم و بالا می رویم ما ز دریاییم و دریا می رویم

ترصیع دارد زیرا تمام واژه ها دو به دو سجع متوازن دارند.

۳- کدام بیت از نظر کاربرد «سجع» ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟

* هم عقل دویده در رکابت هم شرع خزیده در پناهت جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

موازنه دارد.

* ما بروون را ننگریم و قال را

مولوی

ترصیع دارد. این بیت ارزش موسیقایی اش بیشتر است زیرا همه کلمات دو به دو سجع متوازن دارند و آرایه ترصیع را ایجاد کرده اند. سجع متوازن ارزش موسیقایی اش از سجع متوازن بیشتر است.

۴- شاعر در ابیات زیر، برای بهره گیری از آرایه سجع چه شیوه ای را به کار گرفته است؟ توضیح دهید.

* بهاری کز دو رخسارش، همی شمس و قمر خیزد / انگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد کلیله و دمنه

از موازنه استفاده کرده است موازنه موجب افزایش موسیقی درونی شعر می شود.

* برگ بی برگی بود ما را نوال مرگ بی مرگی بود ما را حلال

مولوی

شاعر با استفاده از ترصیع و تقابل سجع های متوازن در هر دو مصraع افزایش موسیقی درونی شعر بسیار افزوده است. در ضمن آرایه پارادوکس زیبایی نیز در آن موجود است.

* ما چو ناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ماز توست مولوی

شاعر با به کار گیری موازنه تلاش کرده است بر بار موسیقی شعر خود بیفزاید.

۵- در تقطیع هجایی هر بیت زیر، چند هجای کشیده دیده می شود؟

* هر که تامل نکند در جواب بیشتر آید سخشن ناصواب سعدی

درج واب	مل ن ک ند	هر ک ت آم	پایه های آوایی
ناص واب	ید س خ نش	بی ش ت را	
فاعلن	مفععلن	مفععلن	وزن (اسم رکن)
- U -	- U -	- U -	نشانه های هجایی

در مصرع اول کلمه «جواب» هجای آخر «واب» کشیده است و نیز در مصرع دوم کلمه «ناصواب» هجای آخر «واب» کشیده است که البته به خاطر وجود اختیار زبانی هجای پایانی در اشعار اگر کشیده باشند به هجای بلند تبدیل خواهند شد.

همچنین در مصرع دوم واژه «بیشتر» هجای اول «بیش» هجای کشیده است

میرزا حبیب خراسانی

* چند پرسی زمن چیستم من نیستم نیستم نیستم من

تم من	ز من چی س	چن د پرسی	پایه های آوایی
تم من	س تم نی س	نی س تم نی	
فع لن	مفاعیل	فاعلتن	وزن (اسم رکن)
--	- U -	- U -	نشانه های هجایی

چند ، چیس ، نیس ، نیس، نیس، در کل ۵ هجای کشیده دارد .



کارگاه تحلیل فصل سوم

۱ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید.

بُوی جوی مولیان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او
آب جیحون از نشاط روی دوست
ای بخارا، شاد باش و دیر زی
یاد یار مهربان آید همی
زیر پایم پرنیان آید همی
خنگ ما را تا میان آید همی
میر، زی تو شادمان آید همی
رودکی

(الف) به کارگیری واژگان کمهنه و مهجور مانند «خنگ»

(ب) کمی واژگان عربی

(پ) سادگی زبان

(ت) به کارگیری همی به جای می

(ث) سادگی و کوتاهی جملات

۲ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو ادبی بررسی کنید.

و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان
که پیغمبر علیه السلام فرمود: اَوْلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْقَلْمَ، وَ قَلْمَ رَا
فرمود که بر لوح بگرد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود؛ پس
هر چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت
به امر حق – عز و جل –.

تاریخ بلعمی

(الف) تلمیح به آفرینش

(ب) تضمین اول ما خلق الله

(ت) تکرار یا واژه آرایی: خواست

۳- در کدام یک از بیت ها، شاعر از آرایه ترجیح، بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را | بنویسید.

مولوی نمایم موازنه دارد زیرا واژه های دل و جان سجع متوازن هستند و بقیه کلمات سجع متوازیند. خوشا چون سروها استادنی .. موازنه است زیرا واژه های «سرو» و «برگ» سجع متوازن دارند.	دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند ترصیع دارد زیرا همه می سجع های آن متوازی است.															
/molوی سعدي ترصیع دارد زیرا واژه ها دو به دو سجع متوازی دارند.	بدان حجت که دل را زنده دارد بدان آیت که جان را بنده دارد خوشا چون سروها استادنی سبز خوشا چون برگ ها افتادنی سبز برندازبرای دلی بارها خورند از برای گلی خارها ما چوناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست															
مولوی بیت ظاهرا ترصیع دارد . اما در این نظرات متفاوت وجود دارد . طبق تعریف کتاب دو واژه کوهیم و ناییم سجع متوازی و آرایه ترصیع و اما اگر تنها کوه و نای را در نظر بگیریم سجع متوازن و ترصیع دارد.	دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند ترصیع زیر را تقطیع هجایی کنید.															
مولوی دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th style="text-align: center;">دانه باشی</th> <th style="text-align: center;">مرغ کانت</th> <th style="text-align: center;">غنچه باشی</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td style="text-align: center;">بر چند</td> <td style="text-align: center;">کا نت</td> <td style="text-align: center;">کو د کانت</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">بر ک نند</td> <td style="text-align: center;">--u-</td> <td style="text-align: center;">--u-</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">-u-</td> <td style="text-align: center;">فاعلان</td> <td style="text-align: center;">فاعلان</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">فاعلاتن</td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	دانه باشی	مرغ کانت	غنچه باشی	بر چند	کا نت	کو د کانت	بر ک نند	--u-	--u-	-u-	فاعلان	فاعلان	فاعلاتن		
دانه باشی	مرغ کانت	غنچه باشی														
بر چند	کا نت	کو د کانت														
بر ک نند	--u-	--u-														
-u-	فاعلان	فاعلان														
فاعلاتن																

خودارزیابی درس دهم «زبان و ادبیات فارسی در سده های ۵و ۶و ویژگی هی سبکی آن »

۱- تحول اساسی شعر این دوره در چه زمینه هایی صورت گرفت؟

تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم شعر پارسی همچنان تحت تاثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است گروهی از شاعران این دوره ، در عین تقليد از پيشينيان ، ابتكارات و نوآوري هاي داشتند که موجب دگرگونی و تحول در سبک شعر شد . علاقه مندی شاعران به سروdon غزل های لطیف و زیبا است . انوری و هم سبکان او در

آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند. **تحولی** که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند سبب شد که در قرن هفتم شاعران بزرگی نظیر: مولوی، عطار، سعدی و... در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به اوچ برسانند عطار و مولوی به پیروی از سنایی به تصوف و عرفان روی آوردند. شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع تنوع یافت و در شاخه ها و رشته هایی هم چون مدح، هجو، طنز، ععظ، حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد. با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاہ، دامنه‌ی موضوعات آن گسترش یافت و بر سادگی بیان، قدرت توجه به حکمت و دانش و اندیشه‌های دینی عواطف، عمق و افکار و اندیشه‌ی موضوع شعر پارسی افزوده شد، بدینی شاعران نسبت به دنیا، شکایت از روزگار، طرح نابه سامانی های اجتماعی از مضامین برجسته‌ی شعر این دوره است.

۲) ویژگی‌های شعر دوره اول (از قرن سوم تا میانه قرن پنجم) و دوم (از نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم) را با هم مقایسه کنید.

الف) «**زبانی**»: در دوره اول (سبک خراسانی)، کاربرد واژگان عربی کمتر است اما در دوره دوم (سبک عراقی) لغات و ترکیبات عربی فراوان دیده می شود.

«**زبانی**» در دوره اول زبان شعر ساده است، اما در دوره دوم سادگی و روانی سخن کمتر می شود.

الف) «**ادبی**»: در دوره اول قالب عمده شعر قصیده است اما در دوره دوم قالب شعر بیشتر غزل و مثنوی است در دوره اول، قافیه و ردیف بسیار ساده است، اما در دوره دوم، ردیف های فعلی و اسمی دشوار در شعر رایج می شود.

پ) «**فکری**»: در دوره اول، شعر واقع گرایست و معشوق عمدتاً زمینی است اما در دوره دوم عرفان گسترش می یابد و معشوق دیگر زمینی نیست.

۳) دلایل گرایش نویسنده‌گان به فارسی‌نویسی در این دوره چیست؟

الف) گسترش عرفان و تصوف

ب) شکل گیری دولت سلجوقی و بهره گیری از دیران و نویسنده‌گان تربیت یافته در خراسان و عراق



با توجه به این شعر، به پرسش‌ها، پاسخ دهید.

آمد نفس صبح و سلامت نرسانید
بوی تو تیاورد و پیامت نرسانید
یا صبحدم از رشک، سلامت نرسانید
یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی
من نامه نوشتم به کبوتر بسپردم
چه سود که بختم سوی پامت نرسانید
بر باد سپردم دل و جان، تا به تو آرد
زین هر دو ندانم که کدامست نرسانید
عمری است که چون خاک، چگر تشنۀ عشقم
و ایام به من، جرعه چامت نرسانید
خاقانی، ازین طالع خود کام چه جویی؟
کاو چاشنی کام به کامت نرسانید

خاقانی شروانی

- الف) دو ویژگی ادبی را بنویسید.
ب) کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟
پ) قلمرو فکری این غزل را بررسی کنید.

الف-ویژگی ادبی:

الف صحبت کردن با صبح: تشخیص

ب-تشبیه: من چون خاک هستم.

پ-جناس: همسان کام، کام

ت-قالب: غزل

ث- وجود ردیف فعلی

ب) ویژگی زبانی:

ب - استفاده از ترکیبات نو : چاشنی کام

پ - از بین رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی

ت - فارسی بودن اغلب واژه ها

ث- کوتاه و ساده بودن جمله ها

ج- ساختمان ساده داشتن بیشتر کلمات: نفس، صبح

پ) ویژگی فکری:

ج- توجه به احوال شخصی و مسائل روحی یار نبودن بخت و اقبال با شاعر بیان نامرادی و ناکامی شاعر،

ح- پیام درون گرایی

کدام یک از واژگی های نثر این دوره را، در متن زیر، می بینید؟ ۵

آورده‌اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش، و نزدیک آن، گربه‌ای خانه داشت؛ و صیادان آنجا بسیار آمدندی. روزی صیاد دام بنهاد. گربه در دام افتاد و بماند و موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هرجانب برای احتیاط، چشم می‌انداخت و راه سره می‌کرد، ناگاه نظر بر گربه افگند. چون گربه را بسته دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده

بود؛ سوی درخت التفاتی نمود. بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر برجای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پیش تر روم، گربه در راه است. با خود گفت: در **بلا**ها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و با این همه، دل از خود نشاید برد....

کلیله و دمنه، نصرالله منشی

الف- استفاده از آرایه های ادبی: دربلا: استعاره ، مراعات نظیر : **گربه، موش، راسو ، بوم**

ب- رواج نثر داستانی که متن این درس نیز **داستانی** است.

ج- به کار گیری واژه های مهجوUR عربی: **التفات، مخوف**

د- حذف افعال به قرینه مثل: درختی بود و زیر درخت، سوراخ موش (**بود**) که حذف به قرینه لفظی دارد



خودارزیابی درس یازدهم «قافیه»

خودارزیابی

۱ در بیت زیر حروف قافیه را مشخص کنید.

در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم

گر شکوه‌ای دارم زدل، با یار صاحب دل کنم

رهی معینه

کنم؛ ردیف واژه‌های قافیه: بی حاصل، صاحب دل حروف قافیه: ل قاعده ۲

۲ واژه‌های قافیه و حروف مشترک آن را در هر بیت، مشخص کنید.

بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زنم که غصه سرآید

حافظ

۳ واژه‌های قافیه: سر، بر حروف قافیه: ر قاعده ۲

عالیم پیر، دگرباره جوان خواهد شد

حافظ

۴ نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

۵ واژه‌های قافیه: مشک فشان، جوان قافیه: ان قاعده ۲

۶ گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس

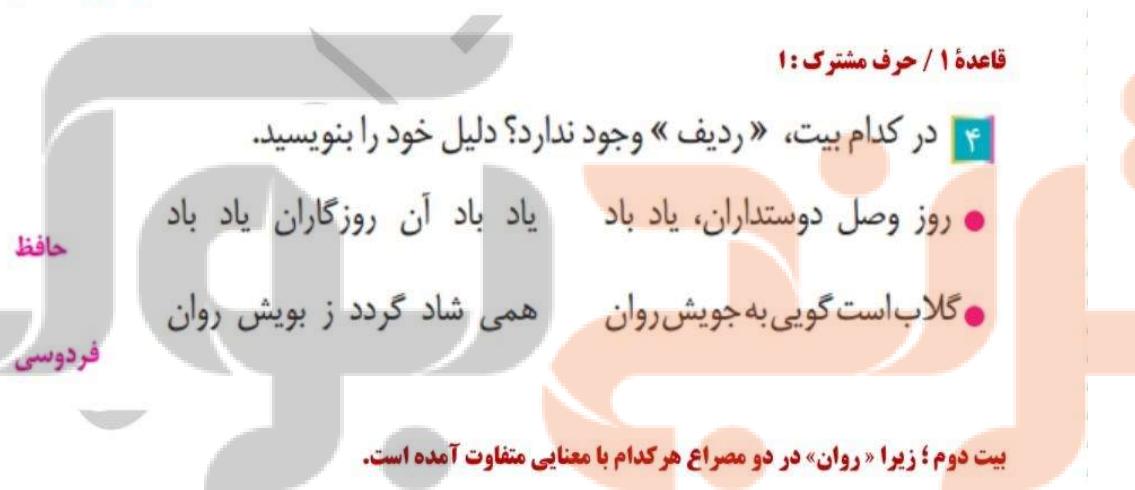
خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس

میرزا حبیب خراسانی

۷ واژه‌های قافیه: هویدا، پیدا حروف قافیه: ا قاعده ۱

تشی در مسیر نوآوری

=====



روان مصراع اول: جاری، رونده

روان در مصراع دوم: جان

شی در مسیر موفقیت

=====

هریک از اصطلاحات زیر را مقابل بیت مربوط به آن بنویسید. ۵

«**قافیه درونی، ذوقافیتین**»

- ای از مکارم تو شده در جهان خبر
افکنده از سیاست تو، آسمان سپر
رشید و طواط

ذوقافیتین : جهان و آسمان : قافیه ۱ / خبر و سپر : قافیه ۲

- گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی
هم درد و داغ عالمی، چون پانه‌ی اندر جفا
مولوی

قافیه درونی است؛ زیرا در درون مصراع واژه‌های «باغ، چراغ، داغ» قافیه هستند.

- یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا
یار تویی، غار تویی، خواجه نگه دار مرا
مولوی

قافیه درونی است؛ زیرا در درون مصراع واژه‌های «بار، غار، جگرخوار، نگه دار» قافیه هستند.

۶ با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست

تا اشارات نظر، نامه‌رسان من و توست
هوشنسگ ابتهاج

(الف) ردیف کدام است؟

(ب) واژه‌های قافیه را مشخص کنید.

(پ) حروف و قاعده قافیه را بنویسید.

تشی در مسیر موفقیت

الف) من و توست ب) میان، نامه رسان: واژه های قافیه پ) «ان» حروف قافیه قاعدة ۲

۷ شعر زیر را از نظر کاربرد قافیه و کوتاهی و بلندی مصراعها با شعر «مهر و وفا» در کتاب فارسی سروده حافظ ، مقایسه کنید.

«عاشقم بهار را / رویش ستاره در کویر را / رهنورد دشت های عاشقی! اپر ز باده سپیده باد جام تو
ای که چون غزالِ تشنه / آب تازه می خورد / مزرع دلم ز جاری کلام تو / در غبار کام تو
چاره فسونگران و رهزنان / در محقق مرگ، رخ نهفتمن است / من که تشنه ام زلالی از سپیده را
من که جست و جوگرم / سرود های ناشنیده را ، / شعر من که عاشقم / همیشه از تو گفتن است
ای که در بهار سبز نام تو / رسالت گل محمدی / شکften است!»

در شعر «مهر و وفا» از حافظ ، رعایت قافیه نظم مشخصی دارد . در پایان مصراع اول و تمام مصراع های زوج ، قافیه وجود دارد و طول مصراع ها برابر و یکسان است اما در این شعر سبک شعر متفاوت است و به شیوه نو شعر سروده است . در این شعر به کار گیری قافیه ، محدودیت شعر کم را ندارد . شاعر خود را اسیر قافیه نساخته است بلکه معمولا در هر بخش سروده اش دو یا چند مصراع قافیه دار به کار برده است مانند: «جام» در مصراع چهارم ، «کلام» در مصراع هفتم ، و «کام» در مصراع هشتم با یکدیگر قافیه هستند.

۸ در هر یک از ابیات زیر:

- الف) ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد)
- ب) واژه ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید.
- پ) حرف یا حرف های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد)
- ت) حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید.

شی در مسیر موفقیت

=====

(الف)

- ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
حافظ

ردیف: کجاست واژه های قافیه: یار - عیار حروف الحاقی: --- حرف یا حروف اصلی: ار

(ب)

- کاشکی جز تو کسی داشتمی یا به تو دست رسی داشتمی
خاقانی

ردیف: داشتمی واژه های قافیه: کسی - دسترسی حروف یا حروف اصلی: س

(پ)

- چندان که گفتم غم با طبیان درمان نکردند مسکین غریبان
حافظ

ردیف: --- واژه های قافیه: طبیان - غریبان حروف یا حروف اصلی: ب

(ت)

- بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
مولوی

ردیف: آرزوست واژه های قافیه: گلستانم - فراوانم حروف یا حروف اصلی: ان

«پایان»

تشی در مسیر موفقیت

خودارزیابی درس دوازدهم «جناس و انواع آن»

۱- در بیت های زیر، انواع جناس را مشخص کنید.

✓ در دل، عطش عشق خدایی ما راست دیوانه وصلیم و جدایی ما راست قیصر امین پور

خدایی و جدایی جناس ناهمسان اختلافی

✓ بهرام که گور می گرفتی همه عمر خیام دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

جناس همسان «تم» گور در مصروف اول به معنی گور خر ، و در معنی مصروف دوم به معنی قبر

✓ بگفت از سور کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوش تراز سور پروین اعتضادی

سور و مور جناس ناقص اختلافی یا ناهمسان اختلافی

✓ در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را مهر لب او بر در این خانه نهادیم حافظ

مهر و مهر جناس ناهمسان حرکتی

✓ زد به دلم در آتشی، عشق بتی که نام او زُهْرَه و آفتاب را زهره به آب می کند نظامی

زُهْرَه و زهره جناس ناهمسان حرکتی

✓ هر که گوید کلاح چون باز است نشنوندش که دیده ها باز است سعدی

جناس همسان (تم) باز در مصروف اول نام پرنده شکاری و در مصروف دوم به معنی گشاده است.

✓ تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان تا وجودم هست خواهد بود نفشت در ضمیر سعدی

جناس همسان (تم)، روان اولی به معنی جان و روان دوم به معنی جاری

✓ غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش سعدی

خویش اولی و در مصروف دوم به معنی خود و خویش دوم در مصروف اول به معنی «خویشاوند و قوم»

✓ آسمان صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام / خوشه ماه فرو ریخته در آب / شاخه ها دست برآورده به مهتاب فردیون مشیری

آرام و رام : جناس ناهمسان افزایشی

✓ وه چه بیگانه گذشتی، نه کلامی نه سلامی نه نگاهی به نویدی، نه امیدی به پیامی شفیعی کدکنی

سلامی و کلامی: جناس ناهمسان اختلافی

✓ به مُلک جم، مشو غرّه که این پیران رویین تن به دستانت به دست آرد، اگر خود پور دستانی خواجهی کرمانی

=====

دستان: دست ها و دستان: لقب پدر رستم یعنی زال است: جناس تام یا همسان

✓ به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق مژه بر هم نزند، گر بزنی تیر و سنانش سعدی

جفا و قفا: جناس نامسان اختلافی

✓ مرا زمانه ز یارم به منزلی انداخت که راضی ام به نسیمی کز آن دیار آید یغمای جندقی

یار و دیار: جناس نامسان افزایشی

✓ ای دلیل دل گشته، خدا را مددی که غریب از نبرد ره، به دلالت برود حافظ

دلیل و دلالت: اشتقاد

✓ ای بسا شاعر، که او در عمر خود، نظمی نساخت وی بسا ناظم، که او در عمر خود، شعری نگفت محمد تقی بهار

شاعر و شعر / نظم و ناظم: جناس و اشتقاد

✓ گر تیغ برکشد که محبان همی زنم اول کسی که لاف محبت زند، منم سعدی

زنم و زند : جناس و اشتقاد / محبان و محبت: اشتقاد

۲- برای هریک از انواع جناس از کتاب فارسی خود، نمونه ای بنویسید.

دانش آموزان عزیزا لطفاً خودتان زحمت بکشید از انواع جناس که در این درس خوانده اید در کتاب فارسی دهم بیابید و بنویسید.



کارگاه تحلیل فصل چهارم

۱- ابیات زیر را بخوانید و آنها را تقطیع کنید.

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی

بی نی	ز کن کِ جان	چشمِ دل با	پایه های آوایی
بی نی	آن چِ نا دی	آن نی سُت آن	
--	-- U - U	-- U --	نشانه های هجایی

ای مهر تو در دل ها وی مهر تو بر لب ها *سعدي* وی شور تو در سرها وی سر تو در جان ها

تُ بُر لب ها	وی مهِ ر	تُ در دل ها	ای مهِ ر	پایه های آوایی
تُ در جان ها	وی سرِ ر	تُ در سر ها	وی شورِ ر	
-- U	U --	-- U	U --	نشانه های هجایی

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟ *شهریار* بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا؟

لا چِ را	نت وَ لَی حا	نم بِ قر با	آمَدِی جا	پایه های آوایی
پا چِ را	تادِ ام از	لا کِ من اف	بی وَ فا حا	
-- U	-- U -	-- U -	-- U -	نشانه های هجایی

بیبا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمانیم

بِ دا نیم	رِ یک دی گر	بِ یا تا قد	آمَدِی جا	پایه های آوایی
نَ ما نیم	زِ یک دی گر	کِ تا ناگه		
-- U	-- U	-- U	-- U	نشانه های هجایی

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ *فروغی بسطامی*

نم تَ را	تَ من نا کَ	ای زِ دل کِ	کی رفِ تِ	پایه های آوایی
نم تَ را	کِ بی دا کَ	ای نِ هُف تِ	کی بودِ	
-- U	U --	U - U	-- U	نشانه های هجایی

آینه ار نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست *نظمی*

آیِ نِ ار	نقشِ تَ بن	مو د راست	پایه های آوایی
-----------	------------	-----------	----------------

خُدشِ کَ نَا	بِيِّ نِ شِ كَس	تَنْ خَ طَاسْت	- ع -
نَشَانَهُهَايِ هَجَابِيِ	- ع -	- ع -	- ع -

■ **اگر پای در دامن آری چو کوه سعدی سرت ز آسمان بگذرد در شکوه**

پایه های آوابی	اَگرْ پَا	يَ دَرْ دَا	مَ نَارِي	چُكَوه
نَشَانَهُهَايِ هَجَابِيِ	سَرَتْ زَا	سَرَتْ زَا	ذَرَدْ دَر	شَكَوه
	-- ع	-- ع	-- ع	-- ع

۲- نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید.

جهاناً چه بدمهر و بدخدو جهانی چو آشفته بازار بازارگانی

به درد کسان صابری اندر و تو به بدنامی خویش همداستانی

سراسر فربیش، سراسر زیانی به هر کار کردم تو را آزمایش

همانی همانی همانی همانی منوچهřی و گر آزمایمت صد بار دیگر

بیت سوم استفاده از شیوه بلاغی / به کار گیری اندر «در» / کاربرد کلمه «بازارگانی» به جای «بازارگانی» / تکرار واژه «همانی»، استفاده از واژگان فارسی

۳- نمونه های زیر را از نظر ویژگی های سبکی بررسی کنید.

الف) شیخ ما را گفتند: «که فلان کس بر روی آب می رود». گفت: «سهول است چغزی و صعوه ای نیز بر روی آب می رود». گفتند: «فلان کس در هوا می پرد». گفت: «زغن و مگس نیز در هوا می پرد». گفتند: «فلان کس در یک لحظه از شهری به شهری می رود». شیخ گفت: «شیطان نیز در یک نفس از مشرق به مغرب می رود. این چنین چیزها را چندان قیمتی نیست. مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخسبد و بخرد و بفروشد و در بازار در میان خلق، ستد و داد کند و زن خواهد و با خلق در آمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.» **«اسرار التوحید، محمدبن منور»**

■ **سطح زبانی:** به کار گیری لغات مهجور و کهنه «زن، بخسبد و در آمیزد» / آوردن «را» به معنی حرف اضافه «شیخ ما را گفتند» / کاربرد جملات کوتاه و کامل به ویژه در دو جمله پایانی / استفاده از واژه های عربی چغز، صعوه و ... / ازن خواستن به جای ازدواج کردن و زن گرفتن

■ **سطح ادبی:** یک نفس: مجاز از لحظه و زمان اندک / تکرار واژه ها: فلان، هوا، گفتن و ... / مراجعات نظیر: مشرق، مغرب و بخرد، بفروشد، داد و ستد و بازار

■ **سطح فکری:** مردان خدا و افراد با ایمان کسانی هستند که در میان مردم زندگی می کنند و هیچ وقت ازیاد خدا غافل نیستند.

ب) زیر گفت: آورده اند که زغنى بود، چند روز بگذشت تا از مور و ملخ و هوام و حشرات که طعمه او بود، هیچ نیافت که بدان سد جوعی کردی. یک روز به طلب روزی برخاست و به کنار جویباری چون متصیّدی مترصد بنشست تا از شبکه ارزاق شکاری درافکند. ناگاه ماهی ای در پیش او بگذشت، زغن بجست و او را بگرفت، خواست که فرو برد؛ ماهی گفت: تو را از

پاسخ خودارزیابی های علوم و فنون ادبی ۱ دهم علوم انسانی نویسنده و تدوین کننده : عطاءالله روشی

خوردن من چه سیری بود؟ لیکن اگر مرا به جان امان دهی هر روزه ده ماهی از برف دی موی سپیدتر و پاکیزه تر بر همین جایگاه و همین ممر بگذرانم تا یکایک می گیری و به مراد دل به کار می بردی و آگر واثق نمی شوی، مرا سوگندی مغلظ ده که آنج گفتم، در عمل آرم. زغن گفت: بگو به خدا، منقار از هم باز رفتن و ماهی چون لقمه تنگ روزیان در آب افتادن یکی بود.

چرخ از دهنم نواله در خاک افکند دولت قدح میش لب آورد و بريخت

«مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی»

و او خایب و نادم بماند.

■ سطح زبانی: به کار بودن شعر در میان نثر / به کار گیری فراوان از واژگان عربی: هوام، متصلید، مغلظ جوع، ممر و... / آوردن ب بر سر فعل: بگرفت / آوردن «آنج» به جای «آن چه» / می گیری و می بردی، «می» اخباری به جای «ب» مضارع التزامی /

■ سطح ادبی: استفاده از آرایه های ادبی: تشخیص و استعاره در بیت پایانی | به کار بودن تشبيه: شبکه ارزاق :: اضافه تشبيه‌ی ماهی چون لقمه ماهی چون برف دی ... /

■ سطح فکری: رواج نثر داستانی و اشاره به نقش حیله و تفکر و چاره سازی در رستن از بلایا / در بیت نیز به نقش مقدر بودن روزی اشاره دارد.

۴- انواع جناس را در ایيات زیر مشخص کنید.

✓ وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم حمید سبزواری

باوه و خاره: جناس ناهمسان اختلافی / خار و خاره: جناس ناهمسان افزایشی

✓ ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم پیغام دوستان برسانی بدان پری سعدی ببری یعنی پرواز کنی و پری مصرع دوم یعنی زیبارو : جناس تام یا همسان

✓ چو شد روز، رستم بپوشید گبر نگهبان تن کرد بر گبر ببر فردوسی گبر و ببر: جناس ناهمسان اختلافی

✓ اگر تو فارغ از حال دوستان یارا فراغت از تو میسر نمی شود ما را فارغ و فراغت: اشتقاد / ما و را : جناس ناهمسان اختلافی سعدی

✓ من که باشم در آن حرم که صبا پرده دار حریم حرمت اوست حافظ حریم و حرمت : اشتقاد / حرم و حریم : جناس ناهمسان افزایشی و اشتقاد

✓ صبا خاک وجود ما، بدان عالی جناب انداز بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم حافظ نظر و منظر: جناس ناهمسان افزایشی و اشتقاد

✓ من اول روز دانستم که با شیرین درافتدم سعدی که چون فرهاد باید شست، دست از جان شیرینم

شیرین مصرع اول به معنی نام زنی و در مصرع دوم به معنی گوارا : جناس تام یا همسان

۵- الگوی حروف قافیه را در ایات زیر بنویسید

✓ پرسیدم از هلال که قدت چرا خم است؟ گفنا خمیدن قدم از بار ماتم است فدایی

است: ردیف / خم و ماتم : واژه های قافیه / حرف اصلی: — م / قاعدة ۲

✓ بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت سعدی

ردیف: — / واژه های قافیه: اردیبهشت و خشت / حروف قافیه: — شت / قاعدة ۲

✓ بوی بهار آمد، بنال ای بلبل شیرین نفس ور پای بندی هم چو من، فرباد می خوان از قفس سعدی

ردیف: — / واژه های قافیه: شیرین نفس و قفس / حروف قافیه: — س / قاعدة ۲

✓ صد شکر گوییم هر زمان هم چنگ را هم جام را کاین هر دو بردند از میان هم ننگ را هم نام را قاآنی

ردیف: را / واژه های قافیه: جام و نام / حروف قافیه: ام / قاعدة ۲

✓ چو شد روز رستم بپوشید گبر نگهبان تن کرد بر گبر ببر فردوسی

ردیف: — / واژه های قافیه: گبر و ببر / حروف قافیه: — بر / قاعدة ۲

«پایان»



شی در شیر موفقیت

تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓